

(This question paper contains 4 printed pages)

Roll No.

Sl. No of Question Paper: 1425

Unique Paper Code: 209302

Name of the Paper: Classical Prose (A)

Name of the Course: B. A. (Hons.) Persian

Semester: III

D

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

**Note :** Unless otherwise required in a question, answer may be written either in English or in Persian or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

**Q. 1:** Translate any two of the following passages into English or Hindi or Urdu: 30

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

خلیفه خبریافت که یعقوب آهنگ بغداد کرده است رسول فرستاد که  
"توبه بغداد هیچ کاری نداری، همان صواب تر که کوهستان و خراسان  
و عراق را نگاه می داری و مطالعت می کنی تا خللی و دل مشغولی تولد  
نکند. باز گرد" فرمان نبرد. گفت "مرا آرزو چنان است که لا بد به درگاه  
آیم و رسم خدمت به جای آرم و عهد تازه گردانم و تا این نکم باز  
نگردم" هر چند که خلیفه رسول می فرستاد جواب همین می داد.  
لشکرها برداشت و روی به بغداد نهاد. خلیفه بروی بدگمان شد.  
بزرگان حضرت را بخواند و گفت چنان می بینم که یعقوب لیث سر از  
چنبر طاعت ما بیرون کرده است و به خیانت اینجا می آید که ما او را  
نفرمودیم آمدن و همی آید و می فرماییم که باز گرد، نمی گردد.

(B)

چون خلیفه خبروی یافت که به خوزستان مقام کرده است در وقت قاصد  
و نامه فرستاد بدو که "مارا معلوم گشت که تو مردی ساده دلی و به سخن

مخالفان فریفته شدی و عاقبت کار را نگاه نکردی. دیدی ایزد تعالی صنع خود به تو نمود و ترا هم به لشکر تو بشکست و خاندان ما را نگاه داشت و این سهوی بود که بر تو رفت. اکنون دانم که بیدار گشته ای و از کرده پشیمانی. و امارت عراق و خراسان را هیچ کس از تو شایسته تر نیست و بر تو مزیدی و اختیاری نخواهیم فرمود و ترا حق خدمت بسیار است نزدیک ما. این يك خطای ترا در کار آن خدمت‌های پسندیده کردیم. چون ما از سر این وحشت در گذشتیم و کرده او را ناکرده انگاشتیم باید که او نیز از سر حدیث درگزرده و برخیزد و هر چه زودتر به عراق و خراسان رود.

(C)

پس روز دیگر تاش رایات بگشاد و کوس بزد و بر مقدمه از بخارا برفت و از جیحون عبر کرد با هفت هزار سوار، و امیر با باقی لشکر در پی او به نشابور بیامد. پس امیر تاش را و لشکر را خلعت بداد، و تاش در کشید و به بیهق در آمد، و به کومش بیرون شد و روی به ری نهاد باعزمی درست و حزمی تمام. و ماکان باده هزار مرد حربی زره پوشیده بر در ری نشسته بود و به ری را استناد کرده، تا تاش برسد و از شهر بر گذشت و در مقابل او فرمود آمد. و رسولان آمد و شد گرفتند. بر هیچ قرار نگرفت با که ماکان مفرور گشته بود. بدان لشکر دل انگیز که از هر جای فراهم آورده بود پس بر آن قرار گرفت که مصاف کنند و تاش گرگ پیر بود و چهل سال سپهسالاری کرده بود و از آن نوع بسیار دیده؛

Q. 2: Rewrite any two of the following in your own simple Persian:

15

دو متن از متون زیر را به فارسی ساده بازنمایید.

(A)

فرخی از سیستان بود پسر جو لوغ. غلام امیر خلف بانو، طبعی بغایت نیکو داشت و شمع خوش گفتمی؛ و چنگ ترزودی؛ و خدمت دهقانی کردی از دهاقین سیستان. و این دهقان او را هر سال دوپست کیل پنج منی غله دادی و صد درم سیم نوحی، او را تمام بودی، اما زنی خواست هم از موالی خلف و خرجش بیشتر افتاد و به وزنیل در افزود. فرخی بی برگ ماند؛ و در سیستان کسی دیگر نبود مگر امرای ایشان. فرخی قصه به دهقان برداشت که: مرا خراج بیشتر شده است. چه شود که دهقان از آنجا که کرم او است غله من سیصد کیل کند و سیم صد و پنجاه درم، تا مگر با خراج من برابر شود“ دهقان بر پشت قصه توفیق کرد که این قدر از تو دریغ نیست و افزون از این را روی نیست.“

(B)

پس سخنهای خلیفه بر دل او کار کرد و عزم درست گردانید که با عمرو لیث مخالفت کند. لشکری که داشت همه را گرد کرد و از جیحون بر این سو گذاشت و به سر تاز یانه بشمرد. ده هزار سوار بر آمد چنانکه بیشتر سواران را ر کاب چوبین بود و از هر دو یکی سر داشت و از هر بیست مرد یکی جوشن داشت و از هر پنجاه مرد یکی نیز داشت و مرد بود که از بی ستوری جوشن بر فترک بسته بود و از آموی بر داشت و به شهر مر و آمد.

(C)

الحق نیکو قصیده ای است و در او وصف شمع کرده است. در غایت نیکویی و مدح خود بی نظیر است. بس برگی بساخت و روی به چغانیان نهاد؛ و چون به حضرت چغانیان رسید بهار گاه بود و امیر به داغگاه؛

شنیدم که هجده هزار مادیان زهی داشت هر یکی را کره ای در دنبال؛  
و هر سال برفتی و کرگان داغ فرمودی؛ و عمید اسعد که کدخرای امیر  
بود به حضرت بود و نزلی راست می کرد تا در پی امیر بود. فرخی به  
نزدیک اورفت و او را قصیده ای خواند، و شعر امیر برو عرضه کرد.

Q. 3: Summarize any one of the following stories.

10

یکی از حکایات زیر را خلاصه کنید:

- ۱- حکایت امیر عادل
- ۲- حکایت بهرام گور و راست روشن
- ۳- حکایت فرخی سیتانی

Q. 4: Describe the literary importance of Siyasat Nama Nizamul Mulk:

10

ارزش و اهمیت ادبی سیاست نامه نظام الملک را بیان کنید.

Q. 5: Write a brief note on the life and works of Nizami Aruzi Samarqandi:

10

احوال و زندگی نظامی عروضی سمرقندی را بنویسید۔